

Semi- Annual Journal of Civil Law Knowledge

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

Study the Basics of Civil Liability for Environmental Damages with a View on the No-Harm Rule

Mohammad Esmail Aghelpoor¹, Alireza Shamshiri², Bakhtiar Abbasloo³

1. Ph.D. Student in Private Law, Islamic Azad University, Kish International Branch, Kish Island, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran.

Correspondence:

Alireza Shamshiri

Email:

ashamshiri806@gmail.com

How to cite

Aghelpoor, M. E.; Shamshiri, A.R.; Abbasloo, B. (2023). Study the basics of Civil Liability for Environmental Damages with a View on the No-Harm Rule, Civil Law Knowledge, 12 (2), 23-42.

ABSTRACT

Civil liability for environmental damage has a long and controversial history in human history, and absolute liability for specific environmental damage is recognized by the laws of most countries around the world. This descriptive analysis study examines the basis of civil liability for environmental damage in Iranian and European Union law, and assesses opinions and international court proceedings in intergovernmental litigation based on the principle of harmless use of land. One of the main achievements of the new legislation at the global level is that it has changed the basis of civil liability in this area, which in principle was subject to strict liability. Iranian law utilizes the principle of Article 50 of the Constitution and recognizes strict liability for environmental damage as an appropriate principle. Based on the guidelines approved by the European Union, it can be said that conventional civil liability law is inefficient in this direction. Only private rights and property are checked and protected, public rights are ignored. Research findings from the Advisory Opinions and international judicial precedents show that until 1997, the International Court of Justice maintained the traditional policy of prioritizing the absolute sovereignty of States in its Advisory Opinions. Moreover, even when confronted with problems of international environmental law, they are reluctant to respond, and it can be said that they have lost their sovereignty and authority in international environmental lawsuits

KEYWORDS

Basics of Civil Responsibility, International Responsibility of Governments, Environmental Damage, The No-Harm Rule, International Legal Procedure, Lawsuits between Governments.

نشریه علمی

دانش حقوق مدنی

«مقاله پژوهشی»

مطالعه مبانی مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی با نگاهی بر اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین

محمد اسماعیل عاقل‌پور^۱، علیرضا شمشیری^۲، بختیار عباسلو^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

چکیده

مسئولیت مدنی ناشی از خسارت بر محیط زیست، در طول تاریخ حیات بشر پیشینه‌ای طولانی و جنجال‌برانگیز دارد و در حقوق بیشتر کشورهای جهان مسئولیت مطلق در خصوص برخی از خسارات زیست‌محیطی پذیرفته شده است. در این مطالعه که به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است، مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی در قانون ایران و اتحادیه اروپا بررسی و آرای صادره و رویه‌های قضایی بین‌المللی در دعاوی بین دولت‌ها بر مبنای اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین ارزیابی می‌شود. از مهم‌ترین دستاوردهای قانون‌گذاری جدید در سطح جهانی، تغییر مبنای مسئولیت مدنی در این زمینه است که اصولاً آن را تابع مسئولیت بدون اثبات تقصیر قرار داده‌اند. در قانون ایران با بهره‌گیری از اصل پنجاهم قانون اساسی، مسئولیت بدون تقصیر به‌عنوان اصلی مناسب در خسارات زیست‌محیطی مورد پذیرش است. بر اساس دستورالعمل مصوب اتحادیه اروپا می‌توان گفت که قوانین مسئولیت مدنی سنتی در این مسیر ناکارآمد است و در آن تنها حقوق و اموال خصوصی مورد بررسی و حمایت قرار گرفته و به حقوق عمومی بی‌اعتنا است. نتایج بررسی‌های به‌دست آمده از آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی بیانگر آن است که آرای صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تا سال ۱۹۹۷، سیاست سنتی خود را که بر پایه اولویت قرار دادن حاکمیت مطلق دولت‌ها پی‌ریزی شده بود، حفظ کرد و همچنین در مواجهه با موضوعات حقوق بین‌الملل محیط زیستی عکس‌العملی تردیدآمیز داشته است و از این رو می‌توان گفت قدرت حاکمیت و اقتدار را در دعاوی بین‌المللی در حیطه محیط زیست از دست داده است.

واژه‌های کلیدی

مبانی مسئولیت مدنی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، خسارات زیست‌محیطی، اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، رویه قضایی بین‌المللی، دعاوی بین دولت‌ها.

نویسنده مسئول:

علیرضا شمشیری

رایانامه: ashamshiri806@gmail.com

استناد به این مقاله:

عاقل‌پور، محمد اسماعیل؛ شمشیری، علیرضا؛ بختیار (۱۴۰۲). مطالعه مبانی مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی با نگاهی بر اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۲ (۲)، ۲۳-۴۲.

مقدمه

عنوان مبنای مناسب‌تری برای مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در نظر گرفت.

دیگر مبنای مسئولیت مدنی در حقوق محیط زیست نظریه خطر است که توسط دو حقوقدان به نام‌های ژسران و سالی مطرح و توسعه یافت. در واقع هرکس فعالیت نماید که محیط خطرناکی را برای دیگران ایجاد کند، باید جبران زیان نماید. به نظر می‌رسد این نظریه مناسبی برای جبران خسارات زیست محیطی محسوب شود و می‌تواند نقش مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد و در نهایت نظریه مختلطی نیز وجود دارد که در جهت تعدیل و تعامل منافع و مضار دو نظریه قبلی ارائه شده است که می‌توان گفت در این نظریات نیز گاهی یکی از دیدگاه‌های خطر یا تقصیر تقویت گردیده است.

در دستورالعمل مصوب با تکیه بر ماده ۱۷۵ پیمان اروپا، حمایت حداقلی پیش‌بینی شده است و با استناد به مواد ماده ۱۷۶ و ۱۱۶(۱) همان پیمان به دولت‌های عضو اجازه داده می‌شود که مقررات پیشگیری و جبران خسارت‌های زیست محیطی و همچنین اقدامات حمایتی را تشدید کنند. بدین ترتیب دولت‌های عضو اتحادیه مکلف شدند تا دستورالعمل مصوب را به قانون ملی خود تا سال ۲۰۰۷ وارد کنند. کشور فرانسه بر اساس دستورالعمل اتحادیه اروپا، لایحه‌ای با عنوان «قانون مربوط به مسئولیت زیست محیطی» را در قالب مواد ۱۶۰-۱ الی ۱۶۶-۲ به کتاب اول قانون محیط زیست تحت عنوان پیشگیری و جبران پاره‌ای از خسارات وارد به محیط زیست اضافه کرد. (همان: ۲۸۷)

ارتباط نزدیکی بین حفاظت از محیط زیست با مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه وجود دارد. به دنبال انقلاب صنعتی و منافع سیاسی و اقتصادی کشورها، موضوع محیط زیست در حاشیه قرار گرفت و تناقضی آشکار بین منافع محیط زیست با منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها به وجود آمد که همین مسئله موجب ایجاد تردید در انتخاب یکی از منافع می‌شود. پر واضح است که منافع اجتماعی، اقتصادی و سیاست نسبت به منافع محیط زیست در اولویت است. (محمدزاده رهنی، ۱۳۸۹: ۱۸۱)

در مبحث آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی باید اشاره داشت که رویه قضایی، مجموع آرای قضایی است که محاکم یا دسته‌ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در

آلودگی و تخریب محیط زیست و خسارات ناشی از آن، یکی از معضلات اساسی جوامع صنعتی و شهری امروز است. با توجه به اینکه تمامی عناصر محیط زیست (آب، هوا و خاک) و کلیه گونه‌ها به یکدیگر وابستگی متقابل دارند از این‌رو، آسیب به یک جزء از محیط زیست باعث پیامدهای وسیع و غیر قابل پیش‌بینی خواهد شد. (Larsson, Marie Louise, 2009: 155, 158, 159) می‌توان گفت مسائل زیست‌محیطی دارای آثار فرامرزی بوده و کشورهای همسایه، منطقه و جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا حوادث بزرگ زیست‌محیطی از مرزها عبور می‌نمایند و موجب ورود خسارت به سایر کشورها و مردم می‌شود. (Romppanen, 2010: 37, 947) تعریف واحدی در حقوق بین‌الملل از خسارت‌های زیست‌محیطی در دسترس نیست. به همین خاطر خسارات زیست‌محیطی در سیستم‌های قانونی کشورهای مختلف، معنای متفاوتی دارد. در برخی موارد به دلیل فرامرزی بودن این مسائل حتی تعیین عامل خسارت به سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد و به همین جهت تمام اشکال خسارت‌های زیست‌محیطی از طریق نظام مسئولیت سنتی جبران نمی‌گردد. به‌عنوان مثال در مبحث آلودگی هوا باید یک یا چند آلاینده قابل تعیین وجود داشته باشد. بنابراین، در مواردی که آلودگی وصف «پراکندگی» و «منتشر» دارد، نمی‌توان آثار منفی محیط زیست را به عمل یا ترک عمل عوامل معینی منتسب کرد. در نتیجه مسئولیت زیست محیطی محقق نمی‌گردد.

در میان آثار و آرای گوناگون، مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی، موضوع نظریات متعددی قرار گرفته است که هر کدام مبتنی بر فلسفه خاص و ویژه خود است. یکی از سنتی‌ترین اساس مسئولیت مدنی در حقوق محیط زیست، نظریه تقصیر می‌باشد. (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۶) بر این اساس، خسارات زیست‌محیطی بدون اثبات تقصیر عامل ورود خسارت، قابل مطالبه نیستند. از آنجایی که نظریه تقصیر در برقراری رابطه سببیت و استناد عرفی زبان به فاعل دخیل است، ولی مبنای جامعی نمی‌تواند داشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که با پذیرش نظریه تقصیر امکان جبران عمده‌ای از خسارات زیست‌محیطی دشوار خواهد شد؛ چراکه اثبات نظریه مزبور در حوزه محیط زیست نسبت به سایر حوزه‌ها مشکل‌تر است. بدین ترتیب می‌توان با استمداد از قواعد فقهی و یاری جستن از قوانین و حقوق بین‌المللی، مسئولیت بدون اثبات تقصیر را به

پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله چندان تکرار شود که بتوان گفت هرگاه آن محاکم با دعوایی روبه‌رو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت و به عبارتی شکل کلی تصمیم مکرر قضایی که در موارد مشابه به لحاظ الزام قانونی مبنای حکم مرجع قضایی قرار گیرند، رویه قضایی گفته می‌شود. (زارعی و پورهایمی، ۱۳۹۶: ۱۹۷)

یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین است. این اصل در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی شد و به حقوق حاکمیت دولت‌ها در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی‌شان بر اساس سیاست‌های محیط زیستی خود اشاره داشته و یادآور می‌شود که دولت‌ها به دنبال بهره‌برداری از منابع مشروعه در حیطه صلاحیت و نظارت خود، باید تدابیری بیاندیشند تا از ورود خسارت به کشورهای دیگر که خارج از صلاحیت و نظارت آنها می‌باشد جلوگیری کنند.

روش پژوهش

مطالعه انجام‌شده از نظر ماهیت یک پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که برای جمع‌آوری اطلاعات از رویکرد کتابخانه‌ای استفاده شده است و با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع اعم از حقوق ایران و حقوق بین‌الملل و فیش‌برداری از آنها اطلاعات لازم جمع‌آوری و ارائه شده است. هدف از این پژوهش بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی در قانون ایران و اتحادیه اروپا و همچنین ارزیابی آرای صادرشده از دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه‌های قضایی بین‌المللی در دعاوی بین دولت‌ها با محوریت اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین به‌عنوان یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط زیست است.

۱. مفهوم خسارات زیست‌محیطی

در بیان مفهوم خسارت در منابع مختلف تعاریف گسترده و در عین حال کلی آورده شده است. واژه خسارت از ریشه عربی «خسر» گرفته شده است که در فرهنگ لغت عربی به معنای نابود شدن، خسران، افول، از دست رفتن، زیان و نقص می‌باشد. در زبان فارسی خسارات مترادف با ضرر و زیان است. (ایزدی‌خواه و گرجی‌فرد، ۱۳۹۴: ۹۹) در اصطلاح فقهی، خسارت بدین‌گونه تعریف شده است: مالی که باید از طرف شخص وارد آوردنده ضرر مالی، به متضرر داده شود. به خسران

وارد شده نیز خسارت می‌گویند. برای تصدیق خسارت باید تجاوز به مال غیر چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم صورت گرفته باشد. در این مورد قصد تخلف از یکی از قوانین جاری کشور شرط تحقق خسارت است. از منظر حقوقی خسارت به معنای زیانی است که مجری زیان به مال، عواطف و شهرت دیگران وارد می‌آورد و به‌طور کلی به معنای توانایی مطرح شده است که مجری زیان در مقام جبران خسارت به زیان‌دیده می‌پردازد. از دیدگاه عرفی خسارت زمانی رخ داده است که نقصی در اموال، منافع، سلامت و حیثیت مسلمی وارد آید. (فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ۴۰۰)

در حقوق ایران در قسمت انتهایی ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی خسارت بدین‌گونه آمده است «ضرر ممکن است به‌واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به‌واسطه فوت باشد یا به‌واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است». در تعریف دیگری از خسارت دو تقسیم‌بندی انجام می‌شود:

۱. زیانی که کسی به مال دیگری برساند؛

۲. جبران خسارت یعنی مالی که مجری زیان به غیر، بابت جبران به او بدهد (جبران ضرر از متضرر توسط مقصر).
خسارت در حقوق کشورهای دیگر در ازای پرداخت غرامت نقدی معنا می‌شود که باید از شخص واردکننده ضرر به دنبال انجام فعل یا ترک فعلی که باعث صدمه بدنی یا مالی شود و یا حقوق شخصی افراد را متضرر کند پرداخت شود. (شاه‌حسینی و مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳)

۱-۱. مبانی نظری مسئولیت مدنی

یکی از موضوعات اساسی در حقوق مسئولیت مدنی، بررسی مبنای قواعد آن از منظر نظری است. در بروز خسارات زیست محیطی عوامل مختلفی می‌توانند نقش داشته باشند. بنابراین، تحمیل مسئولیت مدنی به یکی از این عوامل، نیازمند توجیه عقلانی است که در تألیفات حقوقی از این موضوع تحت عنوان مبانی نظری مسئولیت مدنی یاد شده است. در واقع مبانی نظری مسئولیت مدنی بر این پایه استوار است که دلیل عقلایی و منطقی برای جبران خسارت توسط عامل فعل زیان‌بار می‌آورد و قانون عامل فعل زیان‌بار را مسئول جبران خسارت می‌داند. حقوقدانان در این مورد چهار نظریه اصلی مطرح کرده‌اند که شامل نظریه تقصیر، نظریه ایجاد خطر (مسئولیت بدون تقصیر)، نظریه مختلط و واسطه و نظریه تضمین حق است.

۱-۱-۱. نظریه تقصیر

چه مرتکب به تقصیر شده باشد و چه نشده باشد. مسئولیت جبران خسارت را باید به‌عهده بگیرد. در این حالت نیازی به اثبات تقصیر نبوده و عامل زیان‌بار در صورت بروز خسارت بدون هیچ دلیلی مسئول جبران خسارت است. یکی از علل شکل‌گیری نظریه خطر بعد از نظریه تقصیر این بود که صنعتی شدن جوامع باعث بروز خسارت به افراد زیادی می‌شد که از دفاع خود در برابر خسارات ناتوان بودند. به‌عنوان مثال قانون حوادث کار در فرانسه که در سال ۱۸۹۸ بر اساس نظریه خطر تصویب شد. در ایران قانون تأمین اجتماعی که در سال ۱۳۵۴ مورد تصویب قرار گرفت، بر مبنای همین نظریه است. در فقه و حقوق اسلامی نظریه خطر مورد پذیرش قرار گرفته است و قاعده‌ای تحت عنوان «من له الغنم فلیه الغرم» به نظریه خطر دلالت می‌کند. (بهرامی‌احمدی، ۱۳۹۰: ۶۶)

۱-۱-۳. نظریه مختلط و واسطه

با توجه به عدم جامعیت نظریات تقصیر و خطر و وجود انتقادات فراوان بر علیه آنها، در نهایت طرفداران هر دو نظریه راضی شدند تا نظریه مورد حمایت آنها در کنار نظریه رقیب مبنای مسئولیت قرار گیرد. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت طرفداران نظریه تقصیر در برخی از مسائل همچون مسئولیت مدنی ناشی از حوادث کار، از نظریه خطر به‌عنوان مبنای مسئولیت بهره می‌برند. لازم است اشاره شود که طرفداران نظریه تقصیر (مازوها) اعتقاد بر آن دارند که اصل بر تقصیر است. به عبارت دیگر، نظریه خطر باید در شرایطی مینا قرار گیرد که اصولاً تقصیری وجود نداشته باشد و یا قابل اثبات نباشد. (عسگرزاده، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

۱-۱-۴. نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق توسط بوریس استارک مطرح شده است و به حقوق زیان‌دیده و به‌دنبال آن تضمین قانون‌گذار توجه کرده است. بر اساس این نظریه هر شخصی حق دارد در جامعه در شرایطی سالم و امن زندگی کند و حقوق او تضمین خواهد شد. هیچ شخصی حق نداشته حقوق و سلامتی اشخاص دیگر جامعه را به‌خطر بیاندازد. بدین ترتیب به‌دنبال ضایع شدن حقی در جامعه، عامل زیان‌بار مسئول جبران خسارت است و الزام به جبران خسارت، تحت عنوان مسئولیت مدنی می‌باشد. در این نظریه به تضمین حقوق افراد خسارت‌دیده و حمایت قانونی از آنها تأکید شده است و این یکی از حسن‌های نظریه تضمین حق است. مبنای تشخیص مسئولیت مدنی به عواملی فرهنگی

واژه تقصیر در لغت به‌معنی سستی و همچنین کوتاهی کردن است که در فقه هم اصولاً همین معنا را دارد. ضمانت اجرای تقصیر در حقوق مدنی جبران خسارت است. در ماده ۱ مسئولیت مدنی تقصیر به‌عنوان یک رکن مهم و اساسی است و در اصطلاح مدنی طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی که در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید، مقرر می‌دارد: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». به بیان واضح‌تر می‌توان گفت تقصیر به‌معنای انجام فعلی است که شخص نباید آن را انجام دهد و یا ترک فعلی که شخص باید انجام دهد. مبنای مسئولیت مدنی تقصیر بوده و اعمال اشخاص به‌صورت جداگانه باید مورد بررسی قرار گیرد. در مبحث جبران خسارت تنها علتی که توجیه‌گر مسئولیت کسی در قبال جبران خسارت است، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و زیان به‌وجود آمده است. اثبات تقصیر شخص در اکثر موارد مشکل و غیرممکن می‌نماید و در صورت عدم اثبات تقصیر، مسئولیتی برای جبران خسارت وجود نخواهد داشت. نظریه تقصیر در جوامع سنتی پاسخگوی نیازهای حقوقی نخواهد بود و از طرفی پذیرش این نظریه باعث عدم مسئولیت افراد خواهد شد. این در حالی است که این اشخاص را نمی‌توان از جبران خسارت و مسئولیت مدنی وارده معاف کرد. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۲)

۱-۱-۲. نظریه ایجاد خطر (مسئولیت بدون تقصیر)

سالی و ژوسران دو حقوق‌دانی بودند که برای عبور از ضعف‌های نظریه تقصیر، نظریه خطر را ارائه دادند. در نظریه خطر دو بُعد نفی‌کننده و اثبات‌کننده وجود دارد. در بُعد نفی‌کننده اثبات تقصیر برای اثبات مسئولیت، ضرورت ندارد و باید حذف گردد. در بُعد اثبات‌کننده معیار جایگزینی اثبات تقصیر پاسخگو بودن شخص در قبال اعمال سر زده از اوست، حال او مرتکب تقصیر شده باشد یا خیر و یا اینکه از عمل خود ابراز پشیمانی کند و یا به انجام آن تأکید ورزد. بدین ترتیب تنها انجام فعل زیان‌بار موجب احراز مسئولیت عامل زیان خواهد شد و در اینجا اثبات تقصیر ضرورتی نخواهد داشت. اختلاف بین طرفداران نظریه تقصیر با نظریه خطر موجب به‌وجود آمدن رویکردهایی در تأیید مبنای نظریه خطر شد. این رویکردها شامل: نظریه مطلق خطر، نظریه خطر ناشی از عمل نامتعارف، نظریه خطر ناشی از انتفاع مادی و نظریه تقصیر نوعی می‌باشند. در رویکردهای نام برده شده به نتیجه عمل اصالت داده شده است نه صرفاً علت عمل. به‌عنوان نمونه در نظریه مطلق خطر عامل زیان در هر شرایطی

اجتماعی، عرفی و اخلاقی آن جامعه بستگی داشته که در نتیجه پیشرفت جوامع امری پیچیده به نظر می‌رسد. نظریه تضمین حق نسبت به دو نظریه مطرح شده، در ایجاد مسئولیت مدنی نقش مؤثرتری ایفا می‌کند، اما هیچ‌یک از نظریات مذکور به تنهایی قادر نیستند مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرند. (لزگی، صابری و جلالی، ۱۴۰۰: ۲۰۴)

۲. مبانی مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون بسیاری از کشورهای، اصول و ضوابطی را به طور صریح و ضمنی اختصاص داده است. بعد از انقلاب اسلامی در ایران، حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج شد؛ به طوری که تا قبل از انقلاب، قوانین عادی متعددی در این حوزه تدوین شده بود. لازمه ارزیابی و جبران خسارات زیست محیطی اقدامات لازم در سطوح قانون‌گذاری (قوه مقننه)، اجرایی (قوه مجریه) و قضایی (قوه قضاییه) است.

۱-۲. در سطح قانون‌گذاری

در سطوح قانون‌گذاری، باید سازمان‌های ذی‌ربط لوائح جامعی را که در آن وظایف قانونی تمامی اشخاص چه حقیقی و چه حقوقی (اعم از اشخاص حقیقی خصوصی و اشخاص حقوقی عمومی) به شکلی واضح مشخص شده است را آماده و جهت تصویب به مراجع قانون‌گذاری تحویل دهد تا بدین ترتیب مسئولیت افراد جامعه در قبال محیط زیست روشن گردد. بنابراین، با تعیین مسئولیت، تمامی تعارض‌ها و دخالت‌ها مصلحتی در مرحله اجرا رفع خواهد شد. (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۲)

اصل چهل و پنجم و پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای در موضوع محیط زیست برخوردار هستند. به‌دنبال تدوین اصل پنجاهم، مبانی حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران شکل گرفت. محتوای اصل پنجاهم به دلیل آنکه به‌طور مستقیم توسعه پایدار و حقوق نسل‌های حال حاضر و آینده را مورد ارزیابی و شناسایی قرار می‌دهد، حائز اهمیت است. اصل پنجاهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست با

تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه دارد ممنوع است». در اصل پنجاهم قانون اساسی همچنین چارچوب کلی نظام حفاظتی در حوزه محیط زیست ترسیم شده است. در این اصل، مصادیق خسارت به محیط زیست یعنی «آلودگی» و «تخریب» از هم تفکیک شده‌اند. بر اساس ماده ۶۸۸، تبصره ۲ قانون مجازات اسلامی، آلوده ساختن محیط زیست به معنای پخش و آمیخته کردن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا زیستی آن را به شکلی که برای انسان و سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه مضر باشد، تغییر دهد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۸۸، تبصره ۲). همچنین هرگونه دست‌ورزی در زیستگاه‌ها و تغییر در منابع طبیعی که باعث بر هم ریختن تعادل طبیعت و تنوع زیستی شود، تحت عنوان تخریب تعریف می‌شود. در اصل پنجاهم، از وصف «غیر قابل جبران» نیز به‌دنبال تخریب استفاده شده است، در حالی که وصف مزبور بر اساس تفاسیر لفظی و اصولی، شامل آلودگی نخواهد شد، اما در تفسیر غایب‌شناسانه، از ظاهر اصل این‌گونه بر می‌آید که وصف غیر قابل جبران مشمول آلودگی هم شود. قانون‌گذار تفاوتی بین آلودگی و تخریب قائل نمی‌شود؛ چراکه هر دو از مهم‌ترین عوامل ورود خسارت به محیط زیست می‌باشند. لازم به ذکر است که فعالیت‌هایی که منجر به آلودگی قابل جبران می‌شوند، ممنوع نیست. بنابراین ممنوعیت مندرج در اصل پنجاهم را نمی‌توان برای تمامی امور اقتصادی و غیراقتصادی که منجر به آلودگی و تخریب قابل جبران به محیط زیست می‌شوند، اعمال کرد. به طور کلی می‌توان گفت که اصل پنجاهم قانون اساسی ایران بیشتر بر بُعد حفاظت از محیط زیست تمرکز کرده است تا اینکه به طور مستقیم بخواهد بر حق بودن آن اشاره کند. فقدان تصریح چنین حقی، به معنای عدم شناسایی آن نیست؛ زیرا در عالم حقوق حق و تکلیف در کنار هم مورد توجه قرار می‌گیرند. بدین ترتیب اصل پنجاهم قانون اساسی، برای نسل‌های فعلی و آینده حیات رو به رشدی لحاظ کرده است و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را در سایه تکلیف به حفاظت قرار می‌دهد. همچنین در این اصل بهره‌مندی و تکلیف به حفاظت جدا از هم نبوده و حول یک محور می‌چرخند. (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۹۳-۱۴۰)

در کنار اصل پنجاهم باید به اصل چهل و پنجم نیز اشاره داشت. در اصل چهل و پنجم، قسمتی از منابع زیست محیطی در قالب انفال و ثروت‌های عمومی بیان می‌شود و آنها در اختیار

بازرسی کل کشور زیر نظر مستقیم رئیس قوه مزبور تشکیل می‌گردد. قانون نیز تعیین‌کننده حدود وظایف و اختیارات سازمان مذکور می‌باشد. بر اساس ماده ۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، نظارت از دستگاه‌های اجرایی در تمامی مراحل اجرایی توسط سازمان مربوطه انجام خواهد شد. بدین ترتیب قوه قضاییه با استفاده این ابزار قانونی، توان پیشگیری از وقوع خسارت‌های زیست محیطی و جرایم اداری، دولتی و عمومی را دارا است. (همان: ۲۳۵)

۳. جبران خسارت‌های زیست محیطی در حقوق ایران

مسئولیت یا ضمان در برگیرنده مسئولیت اخلاقی و مسئولیت حقوقی می‌باشد. در حقوق ایران ضمان حقوقی خود بر سه نوع کیفری، اداری و انضباطی و مسئولیت مدنی تقسیم شده است. مسئولیت مدنی حقوق مربوط به خطاهای مدنی است و شامل مفاهیمی همچون خسارت، ترمیم و جبران خسارت است. بر این اساس هر فعل و یا ترک فعل که منجر به وارد آمدن خسارت به شخصی حقیقی و یا حقوقی شود، در حوزه مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۶۴۵)

از منظر حقوقی، منظور از مسئولیت مدنی تعهد به جبران خسارت است. دعاوی مسئولیت مدنی بین کشورها در نتیجه نظام سرمایه‌داری و پیشرفت صنایع افزایش چشمگیری داشته است. بخش عمده‌ای از این دعاوی مربوط به موضوع محیط زیست و مسئولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر آن می‌باشد.

مسئولیت در قانون مدنی به دو صورت قراردادی و قهری است. مسئولیت قراردادی^۱ بر اساس عقد قرارداد است و طرفین عقد باید شروط انعقاد عقد را داشته باشند. در حقوق ایران سه روش جهت جبران خسارت ناشی از تخلف قراردادی پیش‌بینی شده است که شامل تعیین خسارت در هنگام انعقاد عقد اصلی، تعیین شیوه‌های جبران خسارت و تعیین میزان و شیوه جبران خسارت از طریق قانون (همانند حکم دادگاه) و یا از طریق عرف (تعیین ضمنی طرفین). بدین ترتیب خسارت در مسئولیت قراردادی در قانون مدنی ایران زمانی قابل مطالبه است که حداقل با فرض اماره تقصیر و عدم ایفای تعهد که دلیل تقصیر است، متعهدله را از اثبات تقصیر بی‌نیاز گرداند و او را محق برای دریافت خسارت قرار دهد.

حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا بر اساس مصلحت عمومی در قبال آنها عمل کند.

۲-۲. در سطح اجرایی

مرحله بعدی اجرای قوانین وضع شده است. سازمان‌هایی از قبیل سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان منابع طبیعی و جنگلداری، سازمان مراتع و آبخیزداری و سایر نهادهای مسئول در این حوزه، قوانین و دستورالعمل‌های مورد نیاز را در هر بخشی تعیین و بر اجرایی شدن آن نظارت می‌کنند. در بخش اجرایی و در قوه مجریه مجازات‌های حاکم بر تخلفات اداری تضمین‌کننده اجرای قانون در حوزه محیط زیست می‌باشد. در ماده ۸ قانون مزبور، به تخلفات اداری همچون عدم اجرای قوانین و مقررات وضع شده (قوانین مربوط در حوزه محیط زیست)، ارائه گزارشات خلاف واقع و سوءاستفاده از موقعیت اداری (به‌ویژه در حوزه صدور مجوزهای مربوط به محیط زیست) اشاره شده است. (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۲)

سازمان حفاظت از محیط زیست بر اساس ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مسئول انجام اقدامات مناسب جهت جلوگیری از وارد آمدن خسارت به محیط زیست است. بدین ترتیب با توجه به قوانین وضع شده، سازمان محیط زیست مکلف است به کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌کنند، در ابتدا اخطار کتبی دهد که در مدت زمان مقرر جهت رفع آلودگی اقدام کنند و یا از ادامه کار خودداری نمایند و در صورت ادامه آلودگی از ادامه فعالیت آنها جلوگیری خواهد شد. در صورتی که اشخاص ذی‌نفع شکایتی در مخالفت با دستور سازمان داشته باشند، می‌توانند در دادگاه عمومی محل اعلام شکایت نمایند و دادگاه سریعاً پرونده را مورد بررسی قرار داده و اگر چنانچه اعتراض را وارد بداند، دستور ابطال اخطار و یا رفع ممانعت خواهد داد و رأی دادگاه قطعی است. (همان: ۲۳۷)

۲-۳. در سطح قضایی

مرحله نهایی مربوط به قوه قضاییه خواهد شد که مسئولیت برخورد جدی با بی‌قانونی و اعمال ناهنجار با محیط زیست را بر عهده دارد. مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی به ترتیب مسئول جرایم و خسارت زیست محیطی می‌باشند. بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه حق نظارت بر حسن جریان امور و اجرای درست قوانین در سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری را دارا می‌باشد و در همین راستا سازمان

در ضمان قهری هیچ قراردادی بین طرفین وجود ندارد. بدین ترتیب در صورت وارد آمدن خسارت به یکی از طرفین، زمانی خسارت وارده قابل مطالبه است که خسارت وارده بر شخص از جانب مقصر، بدون هیچ شبهه‌ای به اثبات رسیده باشد. اثبات وارد آمدن خسارت در ضمان قهری موجبات عسر و حرج را برای شخص متضرر به ارمغان می‌آورد. (همان: ۶۴۴)

مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مدنی در بحث غضب به جبران خسارت اشاره کرده است و انواع روش‌های جبران خسارت توسط قانونگذار بیان شده است. ماده ۳۲۸ قانون مدنی در مبحث اتلاف رابطه علیت و خسارت را می‌تواند مورد تحلیل قرار دهد و پس از به اثبات رسیدن این رابطه، وجود یا نفی تقصیر در ضمان تأثیری نخواهد داشت و در این صورت خساراتی را که صغیر و مجنون به یکدیگر وارد آوردند، ملزم به جبران آن هستند و خسارتی که به دنبال عمل آنها شکل گرفته است، به‌طور مستقیم به خود آنها مربوط است که مورد توجه قانونگذار بوده است. در ماده ۳۲۹ قانون مدنی که مربوط به ترمیم خسارت می‌باشد به شیوه‌های جبران خسارت اشاره شده است. ماده ۳۳۱ قانون مدنی که به بیان قاعده تسبیب پرداخته و فرض تقصیر را مورد توجه قرار داده است، خسارت موجود را با شیوه‌های ترمیمی ذکر کرده است. ماده ۳۳۴ قانون مدنی به بیان خسارت ناشی از حیوان توجه کرده است و شخصی که از حیوان خسارت متحمل ضرر می‌شود، در صورت اثبات تقصیر، مستحق دریافت خسارت است.

۱-۳. مبانی حفاظت از محیط زیست در حقوق

بین‌الملل

کنفرانس ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد اوج شکوفایی حقوق بین‌الملل در عرصه محیط زیست بود. پس از آن بسیاری از کشورها در صدد اضافه کردن موضوع محیط زیست در قانون خود برآمدند. مقوله محیط زیست در بعضی از کشورها در قوانین عادی و در بعضی دیگر در قوانین اساسی، گنجانده شده است. در اکثر قوانین، دولت‌ها و شهروندان متعهد به حفاظت از محیط زیست هستند، حال آنکه حق بر محیط زیست به طور مستقیم و غیر مستقیم در قوانین گنجانده شده باشد یا نباشد. (Priour, Michel, 2005: 65)

به دنبال توسعه و گسترش رشته حقوق بین‌الملل محیط زیست، حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و میراث مشترک

بشر برای نسل‌های فعلی و آینده، حق بر توسعه و مفهوم توسعه پایدار تحت عنوان «مصادیق حقوق بشر زیست محیطی» تبلور یافت و به عنوان هنجارهای حقوقی ملی و بین‌المللی قرار گرفت و آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی آن را به رسمیت شناخت. بدین ترتیب، راه‌حل‌های حفاظتی از محیط زیست و کاهش خسارات وارده بر آن برای نسل‌های فعلی و آینده و رسیدن به توسعه پایدار، باید با همکاری بین‌المللی اعم از نهادهای دولتی و غیردولتی صورت پذیرد.

پیشنهاد ایجاد برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) و صندوق محیط زیست آدر بیانیه استکهلم مطرح شد. اصل ۲۱ این بیانیه به قاعده ممنوعیت ضرر و زیان به دیگر کشورها و اصل ۲۲ آن به جبران خسارات اشاره دارند که بر اساس آن دولت‌ها باید در توسعه بیشتر قوانین بین‌المللی در رابطه با مسئولیت یا جبران خسارت زیان‌دیدگان آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی ناشی از فعالیت محدود قلمرو خود یا مناطق تحت کنترل خود یا در نواحی ماورای قلمروشان همکاری نمایند. همچنین از ضوابط و قواعد محیط زیست، پیش‌بینی سیستم ضمانت اجرای مؤثر بر حفاظت محیط زیست در هر کشور و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه پشتیبانی کنند.

از دیگر رویدادهای مهم در این دوره تاریخی تصویب منشور جهانی طبیعت توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۸۲ بود که تأثیرات اساسی در حقوق بین‌الملل محیط زیست بر جای گذاشته است. متعاقب شکل‌گیری بیانیه استکهلم، کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه، معروف به اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در شهر ریو دوزانیرو برزیل آغاز به فعالیت نمود. این اعلامیه تأکید مجددی بر اعلامیه استکهلم است که در قسمتی از اصل ۱ اعلامیه ریو بر این نکته تأکید می‌نماید که انسان‌ها حق دارند از زندگی سالم، سازنده و هم‌ساز با طبیعت بهره‌مند باشند. برنامه اقدام برای قرن ۲۱ موسوم به دستور کار ۲۱، مصوبه‌ای از کنفرانس ریو است که ابعاد مختلف محیط زیست و توسعه پایدار را مورد بررسی قرار می‌دهد. برگزاری کنفرانس توسعه پایدار در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی تحت عنوان اعلامیه

1. Sustainable development
2. United Nations Environmental Programme (UNEP)
3. Global Environmental Fund (GEF)
4. United Nations General Assembly, World Charter for Nature. October 28, 1982.

لوگانو در سال ۱۹۹۳ تقریباً با مشارکت همه کشورهای اروپایی تدوین شد، اما مورد امضای تنها ۹ کشور یونان، ایتالیا، هلند، ایسلند، لیختن‌ایشتاین، لوکزامبورگ، پرتغال، فنلاند و قبرس قرار گرفت و عملاً به اجرا گذاشته نشد. (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۶) هدف اصلی اتحادیه اروپا از تدوین دستورالعمل مذکور به‌عنوان اصلی راهبردی در جامعه اروپا، در بند دوم ماده ۱۷۴ پیمان جامعه اروپا مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. در ماده ۱۷۶ پیمان، از دولت‌ها مجوز حمایت بیشتر از محیط زیست داده شده است. همچنین بر اساس ماده ۱۶(۱) دستورالعمل، دولت‌های عضو اتحادیه می‌توانند قوانین حفاظت، پیش‌گیری و جبران خسارت‌های وارده به محیط زیست را افزایش دهند. دولت‌های عضو مکلف شدند تا سال ۲۰۰۷ دستورالعمل اتحادیه را در قانون ملی خود وارد نمایند. فرانسه با مینا قرار دادن دستورالعمل، لایحه «قانون مربوط به مسئولیت زیست محیطی» را به کتاب اول قانون محیط زیست تحت عنوان «پیشگیری و جبران پاره‌ای از خسارات وارده به محیط زیست» در قالب مواد ۱۶۰-۱ الی ۱۶۶-۲ وارد کرد. (همان: ۲۸۶)

۳-۲-۱. جبران خسارت‌های زیست محیطی در اتحادیه اروپا

در لایحه ۲۰۰۰ در کمیسیون اروپا، دو نوع خسارت قابل مطالبه پیش‌بینی شده است که شامل خسارت زیست محیطی (خسارت به آب و تنوع‌زیستی) و خسارت سنتی (خسارت به اشخاص و اموال) می‌شود. پس از فرارگیری خسارات سنتی در این دسته‌بندی، انتقادات نمایندگان دولت‌های عضو از آن افزایش یافت و بدین ترتیب این کمیسیون در دستورالعمل پیشنهادی به پارلمان و شورای اروپا (Caldart, Charles C., 2018: 459) در سال ۲۰۰۴ خساراتی از این دست را از حیطه خسارت‌های زیست محیطی خارج کرد و آن را در حوزه تصمیم‌گیری دولت‌های عضو اتحادیه بر اساس قوانین داخلی آنها قرار داد؛ چراکه در برخی از کشورها تعیین میزان خسارات ممکن است کمتر باشد و یا کلاً چنین خساراتی قابل مطالبه نباشند. در حقیقت مقصود دستورالعمل مصوب، پیشگیری و جبران خسارات وارده بر محیط زیست است و مفاد آن تأثیری بر جبران خسارت‌های سنتی ندارد.^۳

ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ به وقوع پیوست. این اعلامیه چیزی نبود جز تکرار اصول بیانیه ریو، اما به لحاظ عدم ارائه راهکارهای حقوقی برای حفاظت محیط زیست جهانی، بیانیه‌ای موفقیت‌آمیز تلقی نشد. با گذشت بیست سال از کنفرانس سران زمین در زمینه توسعه و محیط زیست در ریو و نیز با سپری شدن ده سال از کنفرانس توسعه پایدار در ژوهانسبورگ، یعنی ۲۰۱۲، برگزاری کنفرانس ریو مثبت ۲۰ در برزیل نقطه عطفی به سمت تثبیت پایداری در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. سند نهایی کنفرانس ریو مثبت ۲۰ به نام سند «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» نیز معروف می‌باشد. (نجف‌لو و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۷)

۳-۲. مبنای مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی در اتحادیه اروپا

کمیسیون اروپا دستورالعمل مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی را جهت به اجرا در آوردن اصول پایه‌ای حفاظت از محیط زیست، طراحی کرده است. در دستورالعمل اتحادیه اروپا مسئولیت محض و مسئولیت مبتنی بر تقصیر به‌عنوان دو مبنای پیش‌بینی شده جهت مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی هستند. در حقوق اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مسئولیت محض به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی ناشی از خسارت زیست محیطی است. از جمله این کشورها می‌توان به فرانسه، سوئد، آلمان، نروژ، آلمان و سوئیس اشاره کرد. اتحادیه اروپا در اولین اقدام خود در تبیین نظام حقوقی مسئولیت مدنی خسارت زیست محیطی، دستورالعمل ۱۹۸۴ مبتنی بر حفاظت و کنترل بر انتقال فرامرزی زباله‌های خطرناک در محدوده کشورهای اتحادیه اروپا را صادر کرد. پنج سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۹، دستورالعمل دیگری تحت عنوان مسئولیت مدنی ناشی از فاضلاب توسط اتحادیه صادر شد که در نهایت در طرح توسعه نظام مسئولیت مدنی در سال ۱۹۹۳ بی‌ثمر ماند. کمیسیون اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳، دیدگاه اساسی خود را در ارتباط با مسئولیت مدنی ناشی از خسارت زیست محیطی منتشر کرد.^۱ اقدامات اتحادیه اروپا در ارتباط با نظام حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت زیست محیطی، با به امضا رسیدن کنوانسیون لوگانو^۲ همراه شد. به‌دنبال حمایت‌های شورای اروپا کنوانسیون

1. European commission, White paper on Environmental liability, 2000, at: europa.eu/environment/liability/el_full.pdf
2. Lugano Convention, 1993

3. European Parliament and of council, 2004, n214.

خصوصی. در دستورالعمل اتحادیه اروپا در مواردی به صورت ضمنی به رابطه سببیت اشاره شده است. در بخش ۱۳ تفسیرهای دستورالعمل ۲۰۰۴ گفته شده است که: نظام مسئولیت قادر به جبران همه اقسام خسارت‌های زیست محیطی نیست. بنابراین، جهت محقق شدن مسئولیت زیست محیطی وجود یک یا چند آلاینده معین، ملموس و عینی بودن خسارت و رابطه سببیت بین خسارت و عامل زیان بار ضروری است. بر اساس بخش ۲۲ دستورالعمل در مواردی که آلودگی پراکنده و منتشر است، امکان منتسب کردن آلودگی به عمل یا ترک عمل خاصی وجود ندارد و بدین ترتیب مسئولیت زیست محیطی تحقق نمی‌یابد. همچنین به موجب بخش ۱۳ دستورالعمل دولت‌های عضو می‌توانند در ارتباط با نحوه توضیح هزینه جبران در فرض تعداد اسباب به قانون ملی کشور خود مراجعه کنند. نظر کمیسیون اروپا در مورد رابطه سببیت در آلودگی‌هایی که وصف پراکنده دارند، بدین گونه است: مسئولیت زیست محیطی در مورد آلودگی‌هایی که آنها را نمی‌توان به یک یا چند آلاینده مشخص نسبت داد همانند تأثیر سیستم حمل و نقل در آلودگی هوا، نمی‌تواند به کار برده نمی‌شود و به جای آن مالیات اخذ خواهد شد. یکی از مشکلات اساسی در مورد رابطه سببیت از نظر دستورالعمل اتحادیه اروپا این است که مسئولیت زیست محیطی برای بهره‌بردار می‌تواند هنگامی که خطر وقوع خسارت در آینده نزدیک وجود دارد، تحقق یابد. (انتظاری نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۹) انتقادی که به این مسئله وارد است این است که با توجه به ارکان سنتی مسئولیت مدنی، وجود تقصیر، خسارت و رابطه سببیت به عنوان سه عامل مهم بین این دو جهت تحقق مسئولیت ضروری است. در واقع بر مبنای نظر دستورالعمل، شرط ورود خسارت جای خودش را به رابطه سببیت داده است و دلیل آن این است که کمیسیون اروپایی با مراجعه به مفهوم تهدید جدی و قریب‌الوقوع خسارت، خواسته است تا امکان تحقق مسئولیت بهره‌بردار را در این فرض بپذیرد. (رضایی مفرد، ۱۳۹۸: ۱-۱۹) در رویه‌های قضایی با اتکا بر ارزیابی قضاوت در حقوق کشور فرانسه، جبران خسارات بالقوه در آینده پذیرفته شده است.^۱

در ارتباط با توانایی مطالبه خسارت‌های زیست محیطی بر اساس قواعد مسئولیت مدنی سنتی در کشورهای همچون آلمان و فرانسه شک و شبهه‌های زیادی وجود دارد. بدین ترتیب باید حق دارا بودن از محیط زیست سالم به‌عنوان حقی بنیادین مطرح شود و هر نوع صدمه و آسیبی به محیط زیست تحت عنوان خسارت و ضرر به حق امنیت انسان‌ها نمود پیدا می‌کند. (همان: ۲۸۸) بر اساس نظر برخی از حقوقدانان، خسارت زیست محیطی در واقع خسارت به شخص و یا افراد جامعه نبوده و بدین ترتیب آنان محیط زیست جهان پیرامون را «دارائی مشترک ملت‌ها» می‌دانند که در تعلق افراد جامعه قرار دارد. (Kourilsky, Philippe & Viney Genevieve, 1999: 16) قانون مسئولیت زیست محیطی در آلمان ۱۹۹۰ و دانمارک ۱۹۹۴ بر اساس قواعد سنتی مسئولیت (حقوق خصوصی) صورت گرفته است که در واقع موارد اعمال مسئولیت محض بسته به اعمالی است که فهرست آنها از طریق قانونگذار مشخص شده است. مسئولیت محض در قانون جبران خسارت زیست محیطی سوئد ۱۹۸۶، در هر فعالیتی اجرا اعمال می‌شود و بدین ترتیب محدود به فعالیت خاصی نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت گرایش در سیستم قضایی بسیاری از کشورهای جهان به سوی مسئولیت محض است. به عبارت دیگر برای مسبب خسارت‌های زیست محیطی، مسئولیت محض قائل شده‌اند. در واقع اثبات تقصیر در ایجاد مسئولیت نقشی نداشته و بر همین اساس عاملین واردآورنده خسارت به محیط زیست، مقصر شناخته می‌شوند. طرفداران نظریه مذکور، دلایل بسیاری را برای واردآورندگان خسارت مطرح می‌کنند. اعتقاد آنها بر این اساس است که برای خواهان مشکل است تا تقصیر خسارت زیست محیطی را مورد اثبات قرار دهد. بدین ترتیب اگر شخص یا نهادی در حوزه محیط زیست دارای فعالیت پر خطر است، باید خطر جبران آن را متحمل شود. اجرای سیاست‌های محیط زیستی در سایه مسئولیت محض از آنجایی که دشواری اثبات تقصیر را مرتفع می‌کند، بهتر انجام خواهد شد. (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۸)

۲-۳-۲. رابطه سببیت از دیدگاه دستورالعمل اتحادیه اروپا

رابطه سببیت جهت تحقق مسئولیت زیست محیطی امری لازم است، حال مسئولیت زیست محیطی چه از نظام مسئولیت در حقوق عمومی پیروی کند و چه از قواعد مسئولیت در حقوق

1. Chambre Civil international de paris, 2003, pp13-14.

۴. مفهوم آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی

فعالیت‌های دیوان بین‌المللی در انجام وظایف توافقی‌شان تحت عنوان آرای قضایی مطرح می‌شود و همچنین دارای اثری الزام‌آور تنها نسبت به طرفین دعوا می‌باشد.^۱ در بیان رویه قضایی باید گفت که اگر به صورت مطلق و بدون قید و شرط استفاده شود، به معنی مجموع آرای قضایی می‌باشد. رویه قضایی به طور خاص زمانی استفاده می‌شود که محاکم در زمینه یکی از موضوعات حقوقی شیوه یکسانی را برگزینند و مجموع آرای مربوط به آن قضیه آن‌چنان تکرار شود که بتوان نتیجه گرفت هرگاه محاکم مزبور با دعوایی مواجهه شوند، تصمیم از پیش گرفته شده را اتخاذ خواهند کرد. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۹۵) آرای محاکم طبق بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، جنبه وضع قواعد حقوقی را نداشته و تنها قوانین حقوقی را مشخص و اعلام می‌کند که توسط ماده ۵۹ اساسنامه دیوان تأیید شده و بر اساس آن تصمیمات اتخاذ شده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً برای طرفین دعوا تحقق می‌یابد و در رابطه با مورد، قدرت الزام‌آوری دارند. با توجه به مطالب گفته شده دیوان از نظر تئوری الزامی در بیان آرای قبلی خود نداشته و این آزادی عمل را دارد که حتی در رابطه با مسئله‌ای واحد، تصمیمات مختلفی اتخاذ کند، اما در عمل شرایط به گونه دیگری است؛ چراکه مضاف بر اینکه آرای دیوان برای طرفین دعوا الزام‌آور است، آرای اتخاذ شده نقش اساسی در تعیین محتوای حقوق عرفی و تبلور آن دارد. همچنین معمولاً دیوان از تصمیمات و دلایل گذشته خود پیروی کرده و اگر نیاز به خروج باشد، دلایل را بیان خواهد کرد. از طرفی بر اساس بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه، دیوان اختیار بررسی و صدور حکم را برای دعاوی مطروحه بر اساس اصل انصاف را دارد؛ منوط به اینکه طرفین دعوا با آن موافق باشند. (مقتدر، ۱۳۷۳: ۳۱) بدین ترتیب آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی علاوه بر بیان قواعد حقوقی در شکل‌گیری حقوق به صورت قواعد عرفی اثرگذار خواهند بود و می‌توانند اختلاف طرفین دعوی را خاتمه دهند. همچنین رویه قضایی بین‌المللی در حیطه حقوق بین‌الملل محیط زیست، می‌تواند روابط بین کشورها را تحت قواعد و اصولی خاص در آورد. اصول اساسی در حقوق بین‌الملل محیط زیست به دو دسته اصول عمومی (اصل حاکمیت، همکاری، اطلاع‌رسانی و پرداخت غرامت توسط

آلوده‌ساز) و اصول اختصاصی (اصل جلوگیری، احتیاطی، ارزیابی اثرات زیست محیطی و توسعه پایدار) تقسیم می‌شوند.

۴-۱. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین

همان‌طور که اشاره شد، یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین است که در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی شد. اصل مزبور به حقوق حاکمیت دولت‌ها در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی‌شان بر اساس سیاست‌های محیط زیستی خود اشاره دارد و یادآور می‌شود که دولت‌ها به دنبال بهره‌برداری از منابع مشروعه در حیطه صلاحیت و نظارت خود، باید تدابیری بیاندیشند تا از ورود خسارت به کشورهای دیگر که خارج از صلاحیت و نظارت آنها است، جلوگیری کنند. اصل مذکور در اسناد و آرای داوری و همچنین دادگستری بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است و پاسخگوی مشکلات به وجود آمده بین دولت‌های بالادست با دولت‌های پایین‌دست در ارتباط با پروژه‌های عمرانی و بهره‌برداری از رودهای مرزی و مشترک است.

۴-۲. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در اسناد

زیست محیطی

اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین یکی از پایه‌ای‌ترین و قدیمی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل عمومی است که اولین بار در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی شد و به‌عنوان تنها اصلی است که توانایی تصویب حقوق الزام‌آور را در محدوده قلمروی خود دارد. با توسعه روابط بین‌الملل در دهه ۹۰ مفهوم سنتی حاکمیت تحت عنوان حاکمیت مطلقه به حاکمیت مطلوب تغییر یافت. مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۹ در اجلاس آتن، به اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم توجه داشته و قطعنامه‌ای تحت عنوان «آلودگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و حقوق بین‌الملل» صادر کرد. بر اساس ماده ۲ قطعنامه، دولت‌ها موظف هستند در رابطه با بهره‌برداری از منابع‌شان در حیطه صلاحیت و حاکمیت خود، بر اساس سیاست‌های محیط زیستی باعث ایجاد آلودگی و خسارت به آبراه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی فرامرزی نشوند. همچنین بر اساس مواد ۳ و ۴ طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل که مبتنی بر اصل غیر زیان‌بار سرزمین است، دولت‌ها باید سیاست‌های مناسبی را جهت جلوگیری از ورود زیان‌های فرامرزی اتخاذ کنند. اصل مذکور ۲۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس ریو مورد تأیید قرار گرفت. اصل ۲ و ۱۳ ریو به استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین اشاره دارد. اصل ۲

۱. مترجمان: دومینیک، کارو و تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۵). حقوق بین‌الملل در عمل. تهران، ناشر: دادگر، ص ۲۵۹.

اعلامیه ریو در واقع همان اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم است، با این تفاوت که در اصل مزبور به دنبال عبارت سیاست‌های زیست محیطی، واژه «توسعه» آورده شده است. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶: ۶۴) اصل ۱۳ اعلامیه ریو اشاره به این موضوع دارد که: «دولت‌ها باید قوانین ملی در ارتباط با مسئولیت ناشی از خسارات حاصله از آلودگی و سایر خسارات به عمل آمده به محیط زیست و پرداخت غرامت به خسارات‌دیدگان را تدوین کنند. همچنین دولت‌ها موظفند به طور جدی و با قاطعیت در این مورد با یکدیگر همکاری کنند».

۳-۴. ارزش حقوقی اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل

وجود تعارض در منافع حاکمیت‌های مختلف در ارتباط با حفاظت از محیط زیست کشورها در آلودگی‌های فرامرزی، باعث طرح دکترین‌های مختلف در این باره شده است. نظراتی که ابتدا با تفکر حاکمیت مطلق آغاز شد و سپس به سوی نوعی ممنوعیت و تغییر و تحول در مفهوم حاکمیت حرکت کرد. جورج هارمن^۱ وزیر دادگستری آمریکا در سال ۱۸۵۹، معتقد به حاکمیت مطلق بود. بر اساس نظریه هارمن، دولت دارای حاکمیت تام و مطلق در قلمروی خود نسبت به بخش‌های مختلف جریانات آبی بین‌المللی می‌باشد. نظریه هارمن از رأی دیوان در قضیه اسکونر اکسپنچ علیه مک فادن^۲ در سال ۱۸۱۲ اقتباس شده بود و هارمن آن را در اختلاف بین ایالت متحده و مکزیک در سال ۱۸۹۵ که در ارتباط با بهره‌برداری و استفاده از آب‌های ریو گرنده^۳ بود، استفاده کرد. (Salmon, J. 2001: 1198) بر اساس نظریه هارمن، دولت مکزیک به هیچ عنوان حق اعتراض در رابطه با بهره‌برداری دولت ایالت متحده از رودخانه ریو گرنده را ندارد، حتی در صورتی که پروژه مذکور تأثیر زیان‌باری بر روی کاهش میزان آب و کشاورزان دولت مکزیک داشته باشد. (Kiss, A. Ch. et Beurier, J. P. 2004: 503) از دهه ۷۰ به خوبی مشخص شد قلمرو منافع عمومی نسبت به منافع خصوصی برتری دارد که این امر موجب شد قوانین و مقررات حامی منافع و مالکیت خصوصی به سوی قوانین حمایت از منافع عمومی سمت و سوق پیدا کند. براساس این اصل در قوانین حقوق بین‌الملل محیط زیست،

دولت‌ها اجازه مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست کشور تحت کنترل خود را داشته، اما باید توجه داشت که حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی توسط قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست محدود خواهد شد. در همین راستا حقوق بین‌الملل محیط زیست اصل حاکمیت مطلقه را به اصل استفاده مطلوب از سرزمین تغییر داده است. (دبیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۴) حق حاکمیت بر منابع طبیعی شامل سرزمین داخل مرز آن کشور همراه با خاک زیرین آن، آب‌های زیرزمینی و داخلی همچون رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، دریای داخل مرز همراه با منابع موجود در بستر و زیر بستر دریا می‌باشد تا جایی که فضای بالای جو آغاز می‌شود. علاوه بر موارد ذکر شده دولت‌ها در شکل محدودتری، حق حاکمیت بر مناطقی همچون فلات قاره، بستر و زیر بستر آن، مناطق مجاور و منطقه انحصاری-اقتصادی دارند.

۴-۵. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در پرتو

آراء و رویه‌های قضایی

۴-۵-۱. قضیه تریل اسملتر^۴

یکی از مهم‌ترین منابع الزام‌بخش در اصل حاکمیت دولت‌ها یا اصل غیر زیان‌بار از سرزمین، قضیه کارخانه تریل اسملتر است و اولین گام تعیین‌کننده در آلودگی‌های فرامرزی نیز می‌باشد. قضیه مذکور در واقع طرح دعوی ایالات متحده از دولت کانادا به دلیل انتشار گاز دی‌اکسید سولفور از کارخانه‌ای واقع در ایالت بریتیش کلمبیا کانادا به سوی اراضی ایالت واشنگتن آمریکا بود. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶: ۶۴) دیوان دولت کانادا را محکوم به پرداخت غرامت جهت جبران خسارت به دولت ایالات متحده نمود. رأی صادره از سوی دیوان دو اصل اساسی در حقوق بین‌الملل؛ یعنی اصل پیشگیری و اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را دنبال می‌کرد. اصل پیشگیری که در حقیقت یکی از نمودهای اولیه خود را در قضیه تریل اسملتر نشان داد و دیوان بیان داشت دولت کانادا در آینده باید تدابیری بیاندیشد تا از ورود خسارت به قلمرو دولت ایالات متحده جلوگیری کند. اهمیت این رأی در آن است که به‌عنوان تحقق یک قاعده در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود و بر همین اساس دولت‌ها را ملزم به پیش‌بینی آلودگی‌های فرامرزی می‌کند. اصل دیگری که توسط دیوان مورد توجه قرار گرفت اصل استفاده غیر زیان

1. J. Harmon
2. The Schooner Exchange V. Mcfadden (1812)
3. Rio Grande

4. Trail Smelter, 1941

مواردی که طرفین با هم مورد توافق قرار داده باشند. همچنین بر اساس ماده ۱۱ سند الحاقی، هنگامی که یکی از دولت‌ها قصد بهره‌برداری از آب‌های مربوطه را داشته باشد، به‌گونه‌ای که احتمال تغییراتی در حجم و یا مسیر حرکت آب در قسمت پایین دست وجود داشته باشد، باید بر اساس اصل حسن همکاری و اطلاع‌رسانی مراتب به اطلاع عالی‌ترین مقام اجرایی سازمان یا مقام ایالتی مربوطه برسد. بر اساس قرارداد ۱۹۲۹ دو دولت فرانسه و اسپانیا در نهایت توافق کردند که طرح دعوی خود را در دیوان داوری مورد بررسی قرار دهند. دیوان اعلام داشت تمامی اعمال انجام شده توسط دولت فرانسه در خاک فرانسه رخ داده است و بخش وسیعی از اثرات ناشی از آن در این کشور اتفاق خواهد افتاد. همچنین آب دریاچه لانوکس بر اساس ماده ۸ سند الحاقی قرارداد بایون تحت حاکمیت دولت فرانسه است و از طرفی انجام پروژه توسط فرانسه براساس ماده ۱۱ سند الحاقی، مانعی ندارد و بهره‌برداری از آب دریاچه بدون توافق قبلی، نقض قرارداد بایون و سند الحاقی آن به حساب نمی‌آید؛ چراکه پروژه دولت فرانسه تغییری در آب‌های رودخانه کارول ایجاد نمی‌کند. (MacChesney, B. 1959: 156-171) در قضیه دریاچه لانوکس اختلافات بین دو دولت فرانسه و اسپانیا به‌صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل و سپس خاتمه یافت. لازم به ذکر است در مورد قضیه لانوکس دادگاه آسیب‌های وارده به محیط زیست را مورد توجه لازم قرار نداد و صرفاً به اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین بر منابع خود توجه زیادی کرده است. بدین ترتیب دیوان در قضیه لوتوس تأکید بر اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین سرزمینی داشته است.^۴

۴-۵-۳. قضیه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل^۵

یکی دیگر از مثال‌های بارز از اینکه دولت‌ها توانایی بروز فاجعه به خارج از مرزهای خود را ندارند، حادثه چرنوبیل بود. حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ در اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد و بزرگ‌ترین فاجعه ناخواسته‌ای بود که به‌دست بشر رخ داد. مواد هسته‌ای پراکنده شده در فضا به اندازه یک دهم تمامی مواد هسته‌ای بود که از همه بمب‌های اتمی آزمایش شده از سال ۱۹۴۵ تا به امروز در فضا رها شده است. چرنوبیل این حقیقت را آشکار ساخت که اثرات فجاجی اتمی محدود به

بار از سرزمین بود که به ترتیب در اصل ۲۱ و ۲ اعلامیه استکهلم و ریو پیش‌بینی شد. اصل مذکور تأکید بر حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان دارد، اما اعمال تغییرات و استفاده از آن را منوط به مسئولیت اکولوژیک می‌داند که در واقع نوعی حاکمیت مشروط را تعریف می‌کند. با توجه به اینکه رأی صادره از سوی دیوان می‌توان اظهار داشت کلیت رأی محافظه‌کارانه بود؛ چراکه در مورد اینکه آیا نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل توسط کانادا صورت پذیرفته است یا خیر صحبتی به میان نیاورد. (موسوی، ۱۳۸۵: ۵۷۲-۵۷۳) در کنفرانس اروپایی تحت عنوان لوگانو در سال ۱۹۹۳، قضیه تریل اسملتر به‌عنوان منشأ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برگزیده شد. همچنین تریل اسملتر بر خلاف قضیه لوتوس حاکمیت مطلقه دولت‌ها را محدود نمود و نیز در پی اثبات آن بر آمد که در استفاده از سرزمین نباید خسارت و ضرری به کشورهای دیگر وارد کرد.^۱

۲-۵-۴. قضیه دریاچه لانوکس^۲

بعد از قضیه تریل اسملتر، دومین رأی داوری است که در ارتباط با اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین می‌باشد. قضیه دریاچه لانوکس مربوط به طرح دعوی دولت اسپانیا از فرانسه به‌دلیل انحراف دریاچه مزبور به‌سوی رودخانه ارژیر^۳ توسط دولت فرانسه بوده است. دولت فرانسه معتقد بود که حجم آب بازگشتی باید به میزان نیازهای فعلی مصرف‌کنندگان ساحلی کشور اسپانیا باشد. دولت اسپانیا مخالف خود را با طرح دولت فرانسه اعلام نمود و اعلام داشت بهره‌برداری از دریاچه لانوکس می‌تواند باعث بروز خسارت و آثار مخرب بر روی منافع کشور اسپانیا بگذارد و آن را در مغایرت با قرارداد بایون و سند الحاقی آن دانست. بر اساس قرارداد بایون و سند الحاقی، باید هرگونه استفاده و بهره‌برداری از آب دریاچه لانوکس توسط دولت فرانسه و اسپانیا بر پایه توافق قبلی باشد و در صورت انجام اقدامی بدون توافق یکی از طرفین، قرارداد قابل اجرا نخواهد بود. بر اساس ماده ۸ سند الحاقی، تمامی آب‌های راکد و جاری، چه در حیطه مالکیت شخصی باشند و چه دولتی، تحت حاکمیت کشوری می‌باشند که در آن قرار گرفته‌اند و به دنبال جاری شدن آنها از کشوری به کشور دیگر، صلاحیت حقوقی آنها دستخوش تغییر قرار می‌گیرد، البته به‌جز در

4. Lake Lanoux case (Spain, France). 16 November 1957. United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Volume XII.

5. Chernobyl Nuclear Power Plant case

1. Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the environment (Lugano). 21 June 1993.

2. Lake Lanoux

3. Ariege

یک محل خاص نخواهد بود و به سایر نقاط برون مرزی انتقال داده می‌شود و تبعات جهانی خواهد داشت. (مسی‌گمچی، ۱۳۸۹: ۸) رأی مشورتی دیوان در سال ۱۹۹۶ در ارتباط با مشروعیت تهدید و یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به اصل استفاده مطلوب و معقولانه از سرزمین اشاره کرده است.^۱

۴-۵-۴. قضیه طرح دعوی استرالیا از فرانسه

در طرح دعوی استرالیا و زلاندنو بر علیه دولت فرانسه در ارتباط با آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در سال ۱۹۷۴، دیوان به اصل لاضرر به‌عنوان اصلی بنیادین در حقوق بین‌الملل محیط زیست اشاره کرد. بر همین اساس قاضی پرونده انتشار گازهای سمی و همچنین پسماندهای رادیواکتیوی از سرزمین‌های مجاور به دیگر کشورها را منع کرد و آن را اقدامی غیرقانونی خواند. همچنین اضافه کرد منع آلودگی‌های فرامرزی در قاعده اصل ۲۱ استکهلم، تدوین‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است.^۲

۵-۴-۵. قضیه گابچیکوو-ناگیماروس^۳

نقطه عطف اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را در اختلاف دولت‌های اسلواکی و مجارستان در ارتباط با قضیه گابچیکوو-ناگیماروس در سال ۱۹۹۷ می‌بینیم. در سال ۱۹۷۷ میان دولت‌های مجارستان و اسلواکی جهت پروژه ساخت سد گابچیکوو در چکسلواکی-ناگیماروس در مجارستان قراردادی منعقد شد. رأی دیوان در مسئله مزبور استفاده مطلوب و معقولانه از سرزمین بود که پیش‌تر در سال ۱۹۹۲ در بیانیه ریو مطرح شده بود.^۴

۴-۵-۶. قضیه لوتوس^۵

در جریان قضیه لوتوس اصل حاکمیت مطلقه دولت‌ها مورد

پذیرش قرار گرفت. اختلاف بین کشور فرانسه و ترکیه در نتیجه برخورد کشتی مسافربری فرانسوی لوتوس با کشتی زغال‌کش ترکیه به‌نام بزکورت در سال ۱۹۲۹ در دریای آزاد متصل به دریای اژه شکل گرفت. دیوان پس از بیان اظهارات توسط طرفین اعلام داشت: دولت ترکیه حق تعقیب و محاکمه افسر دیده‌بانی کشتی فرانسوی را داشته و اقدامات دولت ترکیه مبنی بر محاکمه افسر دیده‌بانی بر خلاف ماده ۱۵ معاهده لاوسن و اصول حقوق بین‌الملل نبوده است. قوانین عرفی حقوق بین‌الملل در آن زمان اقتضا بر این داشت که صلاحیت دولت ترکیه به عنوان دولت قربانی نسبت به صلاحیت کشور صاحب پرچم افضلیت دارد. اصل محاکمه توسط دولت صاحب پرچم اصلی پذیرفته شده است، اما اگر معاهده‌ای میان طرفین در رابطه با صلاحیت دولتی صاحب پرچم در دریای آزاد وجود نداشته باشد، اصل حاکمیت سرزمینی بر آن ارجحیت داشته و می‌توان در این‌باره به قواعد عرفی رجوع کرد. بر همین اساس دیوان بر اساس اصل حاکمیت مطلق سرزمینی، رأی را به نفع دولت ترکیه صادر کرد. اهمیت رأی دیوان در قضیه لوتوس به این علت است که در سال ۱۹۲۷ حاکمیت بین دولت‌ها به صورت حاکمیت مطلقه بود. بدین ترتیب از آنجایی که رسیدگی قضایی یکی از ارکان حاکمیت است، رأی دیوان به سمت و سوی صلاحیت و حاکمیت مطلقه پیش رفت.^۶

۴-۵-۷. قضیه کانال کورفو^۷

مربوط به طرح دعوی دولت انگلستان علیه دولت آلبانی در سال ۱۹۴۸ است. دولت انگلستان مدعی بر آن بود که دولت آلبانی به‌دنبال مین‌گذاری در کانال کورفو به کشتی‌های این کشور خسارت وارد کرده است. دیوان داوری پس از بررسی‌های لازم برخلاف ادعاهای دولت آلبانی به این نتیجه رسید که عبور کشتی‌های بریتانیایی عبور بی‌ضرر بوده است. در قضیه کانال کورفو دیوان اظهار داشت که از وظایف هر دولتی است که اجازه استفاده از قلمروی خود را جهت انجام اعمالی که مغایر با حقوق کشورهای دیگر است ندهد.^۸ در رأی دیوان اصل استفاده

1. Legality of the use by a state of Nuclear Weapons in Armed Conflicts. 1996. Advisory opinion. I. C. J. Reports. Available at: www.icj-cij.org.

2. Nuclear Tests Case (Australia v. France). 20 December 1974. Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org.

3. Gabcikovo – Nagymaros project

4. Case Concerning Gabcikovo - Nagymaros Project (Hungary/ Slovakia). 25 September 1997. Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org.

5. Lotus case

6. Lotus Case (France v. Turkey). 7 September 1927, Permanent Court of International Justice (PCIJ). Series A no 10, ICGJ 248. Available at: www.icj-cij.org/pcij/.

7. Corfu Channel case

8. Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland-All'bania). 9 April 1949, Summaries of Judgments, Advisory

عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین‌المللی پی‌ریزی شده بود، حفظ کرد و همچنین در مواجهه با موضوعات حقوق بین‌الملل محیط زیستی عکس‌العملی تردیدآمیز داشته است و بدین ترتیب دیوان با اتخاذ همچنین روش‌هایی، قدرت حاکمیت و اقتدار را در دعاوی بین‌المللی در حیطه محیط زیست را از دست داده است. می‌توان به‌عنوان نمونه به جریان مشورتی دیوان در ارتباط با تهدید و استفاده از سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ اشاره کرد. علاوه بر آن نگاه محافظه‌کارانه دیوان در پرونده طرح دعوی استرالیا و زلاندنو از دولت فرانسه در سال ۱۹۷۴ وجود داشته است. نگاه تردیدآمیز دیوان در سال ۱۹۹۷ در پرونده پاپیو-ناگیماروس در ارتباط با اینکه تخریب محیط زیست آیا نقض قواعد حقوق بین‌المللی است یا خیر، وجود داشته است. با این همه می‌توان گفت به تدریج رویه دیوان از حالت سنتی که بر پایه حاکمیت دولت‌ها بود، خارج شده و تصمیم‌گیری در قبال اینکه آرای دیوان تا چه اندازه می‌تواند باعث اقتدار محیط زیست شود، نیازمند صرف زمان بیشتر است.

ج) اصل حاکمیت مطلق که در قضیه لوتوس مورد بررسی قرار گرفت، نشان از ضعف حقوق بین‌الملل در آن زمان داشت که در نهایت در جهت دستیابی به اصل حاکمیت مطلوب و معقولانه حرکت کرد؛ هرچند باید در نظر داشت که دیوان در ارتباط با پرونده‌های محیط زیستی به‌علت موانع پیش‌رو جانب احتیاط را حفظ کرده است.

د) در فرایند اجرا و کنترل اصول یادشده توسط دولت‌ها، عوامل مختلفی همچون شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیرگذار خواهند بود. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین به‌عنوان یک قاعده عرفی موجب برجستگی آن نسبت به سایر اصول در حقوق بین‌الملل محیط زیست خواهد شد. بدین ترتیب می‌تواند باعث تقویت تعهد دولت‌ها نسبت به اجرایی کردن قوانین مربوط به آن در روابط فرامرزی شود.

پیشنهادات

الف) مشکلات زیست محیطی در ایران زنگ خطر را به‌صورت جدی به صدا در آورده است. بنابراین، وظیفه دولت و قانونگذاران در این حیطه این است که با تمهید قوانین خاصی در حیطه مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی به حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست پرداخته و با عاملان خسارت، به‌طور جدی برخورد و مسئولیت مطلق تعیین شود.

مطلوب و معقولانه از سرزمین قرار نگرفته است؛ چراکه رأی دیوان ۲۳ سال قبل‌تر از اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ صادر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی رویه‌های قضایی بین‌المللی در کشورهای مختلف و همچنین مطالعه مقررات اتحادیه اروپا می‌توان نتیجه گرفت که در رابطه با مسئولیت‌های ناشی از خسارات زیست محیطی، اصول و قواعد مسئولیت مدنی ناکارآمد است؛ چراکه در آن تنها حقوق خصوصی مورد بحث و تفحص قرار گرفته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت جهت جبران و جلوگیری از خسارات وارده به محیط زیست باید به قوانین مقرر در حمایت از محیط زیست رجوع کرد.

در حقوق ایران مسئولیت قهری از طریق احکام وضعی بر اشخاص اعمال می‌شود و قواعد اسلامی به نظریه‌های ایجاد خطر و تضمین حق نزدیک است و برخی نیز ملاک و مبنا را با تفسیر موسع از تقصیر، نظریه تقصیر می‌دانند، اما می‌توان گفت حقوق اسلامی به‌طور کامل منطبق با هیچ‌کدام از نظریه‌های مسئولیت مدنی نمی‌باشد و نمی‌توان هیچ‌یک از نظریه‌های ابزار شده را به‌عنوان مبنای منحصر مسئولیت مدنی پذیرفت. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در حوزه آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی در پرتو اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین می‌توان نتیجه گرفت:

الف) استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی شد و در اسناد دیگری همچون اعلامیه ریو مورد تقلید قرار گرفت و در آرا و رویه‌های قضایی متعدد توسط مراجع بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت و اکثر حقوقدانان در مورد عرفی بودن آن متفق‌القول هستند. تحلیل طرح دعوی بین‌دولت‌ها نمایانگر آن است که به جز چند مورد خاص همچون قضیه تریل اسملتر، بقیه آرا در دعاوی بین دولت‌ها نقش بسزایی در پیشرفت حقوق بین‌الملل محیط زیست نداشته‌اند.

ب) به‌دنبال بررسی‌های انجام شده در رابطه با آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی به‌خصوص آرای صادرشده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تا سال ۱۹۹۷ سیاست سنتی خود را که بر پایه اولویت قرار دادن حاکمیت ملی دولت‌ها به

پورهاشمی، سیدعباس و ارغند، بهاره. (۱۳۹۲). کلیات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران: دادگستر. صص ۱-۹۵.
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۱). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش. ص ۶۴۵
 حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ص ۶۲
 حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ص ۶۲

دبیری، فرهاد و دیگران. (۱۳۸۸). «حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق محیط‌زیست». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۴(-)، ص ۲۱۴.
 رضایی مفرد، محمد. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه اروپا». کنفرانس ملی محیط زیست سالم و توسعه پایدار در پرتو حقوق شهروندی، شیراز، صص ۱-۱۹.

رضانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۶). «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان‌بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست». فصلنامه علوم محیطی، ۴(۴)، صص ۵۷-۷۴.
 رضانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۲). «حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران». دیدگاه‌های حقوق قضایی، - (۶۳)، صص ۹۳-۱۴۰.

SID. <https://sid.ir/paper/217882/fa>

رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعاوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا». مجله مطالعات حقوق عمومی، ۴(۴)، صص ۹۸۷-۹۹۸.
 زارعی، سحر و پورهاشمی، سیدعباس. (۱۳۹۶). «توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی». علم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۹(۳)، صص ۱۹۵-۲۱۶.

Doi: [10.22034/JEST.2017.11078](https://doi.org/10.22034/JEST.2017.11078)

شاه حسینی، عطیه و مشهدی، علی. (۱۳۹۶). «جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک». پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)، ۱۹ (۵۵)، صص ۱۴۱-۱۶۵.

بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود که پیش‌گیری‌های حقوقی مناسب در این زمینه، همچون اطلاع‌رسانی حقوقی صورت پذیرد تا از مجازات که هدف دوم مسئولیت مدنی است، جلوگیری شود.

ب) آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در دعاوی محیط زیستی به‌خصوص در رابطه با اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین دولت‌ها، محافظه‌کارانه است. بنابراین، جهت برون‌رفت از این چالش و رفع موانع پیش‌رو و استمرار یک نظام حقوقی جهت رسیدگی به دعاوی و بررسی اختلافات، بهترین راه تشکیل یک ساختار قضایی بین‌المللی با اختیارات تام و صلاحیت ویژه در قالب دیوان بین‌المللی دادگستری است.

ج) پیشنهاد دیگر تأسیس یک نهاد قضایی مستقل از دیوان است که دارای ساختار و آیین دادرسی ویژه خود است؛ به‌طوری‌که با دارا بودن اختیارات و صلاحیت کامل و مورد پذیرش از سوی دولت‌ها مانعی از سوی حاکمیت دولت‌ها در بررسی و رسیدگی به پرونده‌های زیست محیطی وجود نداشته باشد تا بتواند به‌طور آزادانه و مستقل اختلافات زیست محیطی را حل و فصل نماید. دادگاه مذکور باید دارای قضات متخصص در حیطه محیط زیست و همچنین آیین دادرسی برای دعاوی مطروحه باشد.

سپاسگزاری

اینجانب اسماعیل عاقل‌پور در انتها از اساتید محترم جناب آقای دکتر علیرضا شمشیری و دکتر بختیار عباس‌لو که در تمامی مراحل این پژوهش بنده را همراهی کردند، تشکر ویژه به‌عمل می‌آورم.

منابع

انتظاری نجف‌آبادی، علیرضا. (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا). تهران: انتشارات مخاطب. ص ۲۱۹.
 ایزدی‌خواه، نصرالله و گرجی‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «نقش ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری در حمایت از محیط زیست با تأکید بر قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع». فصلنامه قضاوت، ۱۵(۸۲)، صص ۹۷-۱۲۶.
 بهرامی‌احمدی، حمید. (۱۳۹۰). «تحول جهانی مبانی مسئولیت مدنی به‌سوی مبنای نفی ضرر». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۲(۲)، صص ۵۹-۷۳.

Doi: [20.1001.1.25885618.1390.41.2.4.4](https://doi.org/10.1001.1.25885618.1390.41.2.4.4)

- صص ۱۷۷-۱۹۵.
 SID. <https://sid.ir/paper/193920/fa>
 مسی‌گمچی، نفیسه. (۱۳۸۹). «مدل‌سازی و ارزیابی قابلیت اطمینان حادثه اتمی چرنوبیل». هفتمین کنفرانس بین-المللی مهندسی صنایع، اصفهان، ص ۸.
 مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۳). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: انتشارات وزارت خارجه. ص ۳۱.
 موسوی، سیدفضل‌الله. (۱۳۸۵). سیر تحولات منابع حقوق بین-الملل محیط زیست. تهران: نشر میزان. صص ۵۷۲-۵۷۳.
 نجف‌لو، پریسا و یعقوبی، جعفر. (۱۳۹۸). «بررسی آگاهانه شهروندان شهرستان زنجان از چالش‌های زیست‌محیطی و راهکارهای نهادینه‌سازی رفتارهای صحیح زیست-محیطی». فصلنامه انسان و محیط زیست، ۱۷(۱)، صص ۱۰۳-۱۱۷.
 Doi: 20.1001.1.15625532.1398.17.1.9.7
 همتی، مجتبی. (۱۳۹۷). «اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران». دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۱(۱)، صص ۲۲۱-۲۵۳.
 SID. <https://sid.ir/paper/371931/fa>
- عسگرزاده، علی‌رضا. (۱۳۹۷). کتاب بیمه‌های مسئولیت و طرح‌های خاص. تهران: پژوهشکده بیمه. ص ۲۴۵.
 فیروزآبادی، حسین هوشمند. (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی». فصلنامه تخصصی دانش‌نامه-های حقوقی، ۳(۲)، صص ۴۱۱-۴۳۷.
 doi: 10.22034/LAW.2019.239560
 کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی. (۱۳۸۷). «مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی». مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۸(۲)، صص ۲۸۵-۳۱۳.
 doi: 20.1001.1.25885618.1387.38.2.14.3
 لزگی، محسن؛ صابری، حسین و جلالی، سیدمحسن. (۱۴۰۰). «بررسی مسئولیت اخلاقی و تکالیف دولت در قبال مسئولیت‌های خارج از اراده». مجله پژوهش‌های اخلاقی، ۱۱(۱۴)، صص ۱۹۷-۲۲۲.
 مترجمان: دومینیک، کارو و تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۵). حقوق بین‌الملل در عمل. تهران: دادگر. ص ۲۵۹.
 محمدزاده رهنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست». فقه و تاریخ تمدن، ۷(۲۵)، Available at: www.icj-cij.org.
 Chambre Civil international de paris. (2003). Pp. 13-14.
 Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the environment (Lugano). (21 June 1993).
 Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland-All'bania). (9 Apr 1949). Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org.
 Dabiri, Farhad and others. (2009). "The right to peaceful use of nuclear energy from the perspective of environmental rights". *Journal of Environmental Science and Technology*, 4(-), p. 214. (In Persian).
 Directive of the european parliament and of the council on environmental liability with regard to the prevention
- Asgarzadeh, Ali Reza. (2017). *Book of liability insurances and special plans*. Tehran: Insurance Research Institute, 245. (In Persian).
 Bahrami Ahmadi, Hamid. (1390). "Global transformation of the basis of civil responsibility towards the basis of negation of harm". *Journal of Private Law Studies*, 42(2), pp. 59-73. Doi: 20.1001.1.25885618.1390.41.2.4.4. (In Persian).
 Brans, Edward. (2005). *Environmental Liability in the EU*. publisher: Cameron may. Pp. 12-95.
 Caldart, Charles C. (2018). *Regional and International regims to protect helth, safety and environment*. Routledge. 1st Edition. Pp. 457, 459.
 Case Concerning Gabcikovo - Nagymaros Project (Hungary/ Slovokia). (25 Sep 1997). Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ).

- and remedying of environmental damage (2004). Official Journal of the European Union, No35 /CE, p. 13,14.
- Enteziri Najafabadi, Alireza. (2014). *Civil liability caused by environmental damage (a comparative study in Iranian and European Union law)*. Tehran: Mokhtab Publications. P. 219. (In Persian).
- European commission (2000). White paper on Environmental liability. at: ec.europa.eu/environment/liability/el_full.pdf.
- European Parliament and of council (2004). No. 214.
- Firouzabadi, Hossein Houshmand. (2018). "Civil liability for environmental damage". *Specialized Quarterly Journal of Legal Studies*, 2(3), pp. 411-437, doi: 10.22034/LAW.2019.239560. (In Persian).
- Hekmat Nia, Mahmoud. (2016). *Civil responsibility in Imami jurisprudence (basics and structure)*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. P. 62. (In Persian).
- Hekmat Nia, Mahmoud. (2016). *Civil responsibility in Imami jurisprudence (basics and structure)*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. P. 62. (In Persian).
- Hemti, Mojtabi. (2017). "Filing a claim for compensation for environmental damage in Iran's legal system". *Judicial Law Perspectives*, -(81), pp. 221-253. SID. <https://sid.ir/paper/371931/fa>. (In Persian).
- Izadi khah, Nasrollah and Gorji Fard, Hamidreza. (2014). "The role of guarantee of legal and criminal executions in protecting the environment with an emphasis on the law of protection of forests and pastures". *Judgment Quarterly*, 15(82), pp. 126-97. (In Persian).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2022). *Legal Terminology*. Tehran: Ganj Danesh. P. 645. (In Persian).
- Katouzian, Nasser and Ansari, Mehdi. (2008). "Liability for environmental damage". *Private Law Studies (Law)*, 38(2), pp. 285-313, doi: 20.1001.1.25885618.1387.38.2.14.3. (In Persian).
- Kiss, A. Ch. et Beurier, J. P. (2004). *Droit international de l'environnement I*. Paris: Pedone. P. 503.
- Kourilsky, Philippe & Viney Genevieve, (1999). *Le Principe de précaution: rapport au Premier minister*. p16, at: www.ladocumentationfrancaise.fr/rapportspublics/004000402/index.
- Lake Lanoux case (Spain, France). (16 Nov 1957). United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Volume XII, p168.
- Larsson, Marie Louise. (2009). *Legal of the Environment and Environmental Damage*. Estokholm Institute Law. Pp. 155, 158, 159.
- Legality of the use by a state of Nuclear Weapons in Armed Conflicts. (1996). Advisory opinion. I. C. J. Reports. Available at: www.icj-cij.org.
- Lezgi, Mohsen, Saberi, Hossein and Jalali, Seyyed Mohsen, (2021). "Examining the moral responsibility and duties of the government in relation to responsibilities beyond the will". *Ethical Research Journal*, 11(14), pp. 197-222. (In Persian).
- Lotus Case (France v. Turkey). (7 Sep 1927). Permanent Court of International Justice (PCIJ). Series A no 10, ICGJ 248. Available at: www.icj-cij.org/pcij/.
- MacChesney, B. (1959). "Lake Lanoux Case (France-Spain)". *American Journal of International Law*, 53(1), pp. 156-171;

- <https://doi.org/10.2307/2195225>.
- Masi Gamchi, Nafisa. (2010). "Modeling and evaluation of the reliability of the Chernobyl nuclear accident". *7th International Industrial Engineering Conference*, Isfahan, p. 8. (In Persian).
- Moghtader, Houshang. (1994). *Public International Law*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. P. 31. (In Persian).
- Mohammadzadeh Rahani, Mohammadreza. (2010). "Investigating the jurisprudential foundations of environmental protection". *Jurisprudence and History of Civilization*, 7(25), pp. 177-195. SID. <https://sid.ir/paper/193920/fa>. (In Persian).
- Mousavi, Seyyed Fazlullah. (2006). *Developments of international environmental law sources*. Tehran: Mizan publication. Pp. 572-573. (In Persian).
- Najaflo, Parisa and Yaqoubi, Jafar. (2018). "An informed survey of the citizens of Zanjan city on environmental challenges and solutions for institutionalizing correct environmental behaviors". *Human and Environment Quarterly*, 17(1), pp. 103-117. Doi: 20.1001.1.15625532.1398.17.1.9.7. (In Persian).
- Nations Unies, Rec. (Nov 1956). *Des sentences arbitrales, affaire du lac Lanoux*. Vol 12. p. 308.
- Nuclear Tests Case (Australia v. France). (20 Dec 1974). Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice(ICJ). Available at: www.icj-cij.org.
- Porfashmi, Seyyed Abbas and Arghand, Bahare. (2012). *Generalities of International Environmental Law*. Tehran: Dadgstar. Pp. 1-95. (In Persian).
- Prieur, Michel. (2005). *Droit de l'homme à l'environnement et développement durable*. Université de Limoges. Unilim, p. 65.
- Projet de loi relatif à la responsabilité environnementale. (2007). at: <http://www.legifrance.gouv.fr>
- Ramazani Ghawamabadi and Javadmanesh, Javad. (2015). "A comparative study of the scope of the concept of beneficiary in filing environmental lawsuits in the laws of Iran and the European Union". *Journal of Public Law Studies*, 46(4), pp. 987-998. (In Persian).
- Ramazani Ghawamabadi, Mohammad Hossein. (2012). "Environmental protection in the fundamental rights of the Islamic Republic of Iran". *Judicial Law Perspectives*, -(63), pp. 93-140. SID. <https://sid.ir/paper/217882/fa>. (In Persian).
- Ramezani Ghawamabadi, Mohammad Hossein. (2007). "A look at the principle of non-harmful (sustainable) use of land in international environmental law". *Environmental Science Quarterly*, 4(4), pp. 57-74. (In Persian).
- Rezaei Mofard, Mohammad. (2018). "Comparative study of environmental civil responsibility in the laws of Iran and the European Union". *National Conference on Healthy Environment and Sustainable Development in the Light of Citizen Rights*, Shiraz, p. 19. (In Persian).
- Rompanen, Seita. (Jan 2010). *Reflection on Environmental Responsibility with on emphasis on the Nord Stream pipeline in the Baltic Sea Area*. -LL.M in ntural Raesources Law and International Environmental Law. P. 37, 947.
- Salmon, J. (2001). *Dictionnaire de droit international*. Bruxelles: Bruylant. P. 1198.

- Shah Hosseini, Atiyeh, and Mashhadi, Ali. (2016). "Compensation for environmental damages based on the 2006 plan of the International Law Commission based on the principles of allocation of losses in cases of transboundary damage caused by dangerous activities". *Public Law Research (Law and Politics)*, 19 (55), pp. 141-165. SID. <https://sid.ir/paper/225288/fa>. (In Persian).
- Shover, Neal & S. Routhe, Aaron. (2005). "Environmental Crime". *Crime and Justice*, 32(-), p. 349, <https://doi.org/10.1086/655356>
- Statute of the River Uruguay, (*United Nations, Treaty Series (UNTS)*, Vol. 1295, No.1-21425, p. 340.
- Trail Smelter case, (USA/Canada). (1947-1939). RSA,III,P1950 et s.
- Translators: Dominik, Karo and Taghizadeh Ansari, Mustafa. (1996). *International law in practice*. Tehran: Dadger. P. 259. (In Persian).
- United Nations Conference on the *Human Environment*. (June 1972). Stockholm Declaration, Sweden, pp. 16-5.
- United Nations General Assembly. (October 28, 1982.). *World Charter for Nature*.
- Zarei, Sahar and Porhashmi, Seyyed Abbas. (2016). "Development of international environmental law in the light of international judgments and judicial procedures". *Environmental Science and Technology*, 19(3), pp. 195-216, doi: 10.22034/JEST.2017.11078. (In Persian).
- Zimmermann, Andreas & Tomuschat, Christian. (2012). *The Statute of the International Court of Justice*. [2nd edn], Oxford University Press, Oxford. *International and Comparative Law Quarterly*, 63(4), pp. 1003-1004. Doi: 10.1017/S0020589314000487.